

تقویت بنیان‌های مشارکت مردمی؛ ضرورتی برای تحکیم نظام اسلامی

کارگروه تاریخ ایران اندیشکده دتا

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ با حضور گسترده و آگاهانه مردمی به پیروزی رسید که با اتکا به باورهای دینی و احساس مسئولیت اجتماعی، ساختار پیشین قدرت را دگرگون کردند. از همان آغاز، این انقلاب ماهیتی عمیقاً مردمی داشت و نه بر پایه ائتلاف محدود نخبگان، بلکه بر اساس بسیج اجتماعی و اراده جمعی شکل گرفت.

امام خمینی (ره) با طرح این گزاره که «این انقلاب متعلق به مردم است و باید به وسیله مردم اداره شود»، چارچوب نهادی نظامی را ترسیم کردند که بعدها «جمهوری اسلامی» نامیده شد. این نظام مشروعیت خود را همزمان از دو منبع اخذ می‌کند: ارزش‌های هنجاری دینی از یک سو، و اراده عمومی از سوی دیگر.

پس از گذشت بیش از چهار دهه، بازخوانی بنیان‌های مشارکت مردمی اهمیتی راهبردی یافته است. تجربه تاریخی به ما نشان داده که در مقاطع فشار - از جنگ تحمیلی گرفته تا تحریم‌های اقتصادی - مشارکت اجتماعی بوده که ظرفیت تاب‌آوری نظام را به‌طور معناداری افزایش داده است.

با این حال، در سال‌های اخیر نشانه‌هایی از کاهش مشارکت در برخی عرصه‌ها قابل مشاهده است. این روند را باید نه به‌عنوان گسست ارزشی، بلکه به‌مثابه نشانه‌ای از تحول در رابطه جامعه و سازوکارهای حکمرانی تحلیل کرد. به نظر می‌رسد مسئله امروز بیش از آنکه کاهش تعلق باشد، افزایش فاصله ادراکی میان جامعه و فرآیندهای تصمیم‌گیری است.

بخش اول: مبانی نظری و تاریخی مشارکت مردمی

مردم‌سالاری دینی؛ یک مدل ترکیبی مشروعیت

یکی از نوآوری‌های نظری انقلاب اسلامی، ارائه مفهوم «مردم‌سالاری دینی» بود. این مدل

نشان داد که میان حاکمیت دینی و مشارکت عمومی، تعارض ذاتی وجود ندارد. بلکه این دو می‌توانند رابطه‌ای تقویت‌کننده داشته باشند و یکدیگر را تکمیل کنند.

ارجاع به اصل قرآنی «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»^۱ نشان می‌دهد که مشارکت در تصمیم‌سازی، ریشه‌ای هنجاری در سنت اسلامی دارد و نه یک مفهوم وارداتی. همه‌پرسی فروردین ۱۳۵۸ با رأی بالای ۹۸ درصدی مردم، صرفاً یک واقعه سیاسی نبود؛ بلکه نقطه تثبیت پیوند میان مشروعیت الهی و مقبولیت اجتماعی محسوب می‌شود. گزاره امام راحل که «میزان رأی ملت است» نیز بیانگر همین نقش کارکردی مشارکت در مشروعیت‌بخشی به نظام است.

مشارکت و مشروعیت؛ یک رابطه کارکردی

در نظام جمهوری اسلامی، مشروعیت صرفاً هنجاری نیست، بلکه وابسته به سطح رضایت و مشارکت اجتماعی نیز هست. این رابطه را می‌توان در یک زنجیره علّی بیان کرد: مشارکت اجتماعی موجب افزایش احساس مالکیت سیاسی می‌شود که این خود به ارتقای کارآمدی منجر شده و در نهایت مشروعیت را تقویت می‌کند.

مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس نیز بر این نکته تأکید دارد که مشارکت، علاوه بر مشروعیت، با موفقیت سیاست‌های عمومی همبستگی مثبت دارد. دلیل این امر آن است که مشارکت، سیاست‌ها را به نیازهای واقعی جامعه نزدیک‌تر می‌سازد و بازخوردهای لازم را به تصمیم‌گیران منتقل می‌کند.

تجربه تاریخی مشارکت در شرایط فشار

دوره دفاع مقدس نمونه بارز اهمیت مشارکت مردمی است. حضور داوطلبانه نیروهای مردمی در این دوران، ظرفیت بازاریابی اجتماعی کشور را به‌طور چشمگیری افزایش داد. در دوران بازسازی پس از جنگ نیز، همین سرمایه اجتماعی در احیای زیرساخت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. در دوره تحریم‌های اقتصادی هم، تداوم عملکرد اقتصادی و اجتماعی تا حدی ناشی از سطحی از همراهی اجتماعی بود که موجب شد نظام بتواند در شرایط سخت مقاومت کند. این تجربیات تاریخی گزاره مهمی را نشان می‌دهند: زمانی که جامعه احساس مالکیت نسبت به نظام داشته باشد، سطح تاب‌آوری ملی به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد.

مشارکت به مثابه مؤلفه امنیت ملی

نکته کمتر مورد توجه این است که مشارکت مردمی صرفاً یک مقوله سیاسی نیست؛ بلکه یک

متغیر امنیتی نیز محسوب می‌شود. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد کشورهایی که با شکاف جدی دولت-جامعه مواجه شده‌اند، معمولاً در برابر نفوذ و دخالت‌های خارجی آسیب‌پذیرتر بوده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت که تقویت مشارکت، نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت در امنیت نرم محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری نیز بارها بر این نکته تأکید فرموده‌اند که حضور مردم در صحنه، بزرگ‌ترین عامل بازدارندگی در برابر توطئه‌های دشمنان است.

بخش دوم: واقعیت‌های معاصر و چالش‌های پیش‌رو

ضرورت تحلیل صادقانه

کاهش نسبی مشارکت در برخی حوزه‌ها واقعیتی قابل مشاهده و انکارناپذیر است. اما این پدیده را نباید به‌صورت ساده‌انگارانه به تغییر ارزش‌ها یا از بین رفتن تعلق نسبت داد. بررسی‌های میدانی و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از افراد کم‌مشارکت همچنان به اصولی چون استقلال، عدالت و عزت ملی پایبندند.

بنابراین تشخیص صحیح این است که مسئله اصلی، «فاصله ادراکی» است نه «گسست ارزشی». به عبارت دیگر، مشکل بیشتر در نحوه ارتباط و تعامل میان نظام و جامعه است تا در اصل باورها و ارزش‌ها.

عوامل مؤثر بر کاهش مشارکت

اول، فشارهای اقتصادی و معیشتی. افزایش دغدغه‌های روزمره زندگی، ظرفیت توجه شهروندان به مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهد. این پدیده نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از جوامع دیگر نیز مشاهده شده است. وقتی خانواده‌ها درگیر تأمین نیازهای اساسی هستند، طبیعی است که اولویت‌های آن‌ها تغییر کند.

دوم، احساس کاهش اثرگذاری فردی. زمانی که بخشی از شهروندان تصور کنند که مشارکت آنان پیامد ملموسی در تصمیمات ندارد، انگیزه کنش سیاسی به تدریج کاهش می‌یابد. این احساس گاه از ضعف در تبیین فرایندها و گاه از تجربیات ناموفق قبلی ناشی می‌شود.

سوم، تحول نسلی. نسل جدید فاقد تجربه زیسته از روزهای انقلاب و دفاع مقدس است. در نتیجه، مشروعیت برای این نسل بیش از آنکه مبتنی بر خاطرات جمعی باشد، تابع کارآمدی

ادراکی نظام در حل مسائل روزمره آنها است. این نسل با سؤالاتی عقلانی نگاه می‌کند و می‌پرسد: «نقش من چیست؟ مشارکت من چه تغییری ایجاد می‌کند؟»

چهارم، چالش‌های رسانه‌ای و روایت. رقابت روایی در فضای رسانه‌ای، به‌ویژه در فضای مجازی، موجب شده است که روایت رسمی در برخی موارد نتواند هم‌پای روایت‌های رقیب اثرگذاری لازم را ایجاد کند. رسانه‌های معاند با بودجه‌های سرشار و روش‌های حرفه‌ای، پیوسته در تلاش‌اند تا واقعیت‌ها را تحریف کنند.

«پنجم، نااطمینانی نسبت به آینده.» نگرانی درباره اشتغال، مسکن و ثبات اجتماعی - به‌ویژه در میان جوانان - بر سطح مشارکت و انگیزه برای درگیری با مسائل عمومی تأثیر منفی می‌گذارد.

بخش سوم: راهکارهای تقویت مشارکت

راهکار اول: تربیت شهروند فعال از طریق نظام آموزشی

نظام آموزشی، بستر اصلی شکل‌دهی به هویت شهروندی است. افزودن آموزش‌های شهروندی به برنامه درسی می‌تواند درک نقش فرد در ساختار حکمرانی را افزایش دهد. این آموزش‌ها نباید صرفاً نظری باشند؛ بلکه باید از طریق فعالیت‌های عملی مانند شوراهای دانش‌آموزی و پروژه‌های گروهی، تجربه واقعی مشارکت را به دانش‌آموزان منتقل کنند.

در سطح آموزش عالی نیز، دانشگاه‌ها باید به محیط‌هایی برای پرورش تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مهارت‌های کنشگری مدنی تبدیل شوند. تقویت تشکلهای دانشجویی، انجمن‌های علمی و ایجاد فضای گفتگو در چارچوب قانون، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

راهکار دوم: تحول در روایت‌گری رسانه‌ای

رسانه در عصر حاضر نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به افکار عمومی دارد. روایت صادقانه - که شامل موفقیت‌ها و چالش‌ها باشد - اعتمادسازی بیشتری نسبت به روایت یک‌سویه ایجاد می‌کند. مردم امروز نه موعظه، بلکه شفافیت و صداقت را می‌طلبند.

سینما، تلویزیون، ادبیات و هنرهای تجسمی می‌توانند به عنوان ابزارهای قدرتمندی برای بازسازی حس تعلق عمل کنند. همچنین در فضای مجازی که به‌ویژه برای نسل جوان اهمیت دارد، نیاز به حضوری فعال، خلاق و تعاملی احساس می‌شود.

راهکار سوم: انتقال مسئولیت به جوانان

واگذاری نقش‌های واقعی به جوانان، سطح درک مالکیت سیاسی در نسل جدید را افزایش می‌دهد.

تجربه نشان داده است که هر جا به جوانان فرصت داده شده - از جهاد سازندگی تا شرکت‌های دانش‌بنیان - آنان توانسته‌اند معجزه بیافرینند.

برای تحقق این امر، نیاز است که فرصت‌های واقعی برای نقش‌آفرینی در قالب انتصاب به پست‌های مدیریتی، حمایت از استارت‌آپ‌های فناوری، و ایجاد شوراهای مشورتی جوانان فراهم شود. همچنین، توجه جدی به دغدغه‌های ملموس جوانان - از اشتغال و مسکن تا فضای اجتماعی - می‌تواند پیوند آن‌ها با نظام را تقویت کند.

راهکار چهارم: شفافیت و پاسخگویی

شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و هزینه‌کرد منابع عمومی، موجب کاهش فاصله ادراکی میان دولت و جامعه می‌شود. انتشار گزارش‌های عملکرد، پاسخگویی منظم به انتقادات و پرسش‌ها، و حضور غیرتشریفاتی مسئولان در میان مردم، همگی می‌توانند به بازسازی اعتماد کمک کنند.

تجربه نشان داده است که احساس «دیده شدن» و «شنیده شدن» یکی از قوی‌ترین محرک‌های مشارکت است. مردم وقتی می‌بینند که صدایشان به گوش مسئولان می‌رسد و در تصمیمات لحاظ می‌شود، انگیزه بیشتری برای مشارکت پیدا می‌کنند.

راهکار پنجم: تقویت احزاب و تشکل‌های مردمی

احزاب کارآمد می‌توانند خواست اجتماعی را سازمان داده و به سیاست عمومی تبدیل کنند. برای تحقق این امر، نیاز است که فرآیند تشکیل احزاب ساده‌تر شود، امکانات لازم برای فعالیت فراهم گردد، و فضای رقابت عادلانه و مسئولانه ایجاد شود.

احزاب باید واقعاً مردمی باشند - یعنی ارتباط مستقیم با مردم داشته باشند، شفاف و پاسخگو باشند، و نسل جوان را در خود جای دهند. تجربه کشورهای دارای نظام‌های سیاسی کارآمد نشان می‌دهد که احزاب قوی، یکی از ارکان اصلی مشارکت پایدار هستند.

بخش چهارم: دستاوردهای تاریخی مشارکت مردمی در نظام اسلامی

دفاع مقدس؛ اوج مشارکت ملی

دوران دفاع مقدس، درخشان‌ترین تجلی قدرت مشارکت مردمی در تاریخ معاصر ایران است. زمانی که رژیم بعثی عراق با پشتیبانی قدرت‌های بزرگ به کشور تجاوز کرد، تحلیلگران بین‌المللی پیش‌بینی می‌کردند که جمهوری اسلامی نوپا در برابر این تهاجم گسترده دوام نخواهد

آورد. اما آنچه رخ داد، حماسه‌ای از مشارکت و ایثار بود که معادلات را به هم ریخت. جوانانی که تجربه نظامی نداشتند، با ایمان به خدا و عشق به میهن به سوی جبهه‌ها شتافتند. خانواده‌ها با افتخار فرزندان خود را راهی جبهه کردند و حتی پس از شهادت، همچنان بر این انتخاب پافشاری می‌کردند. زنان در پشت جبهه، کمک‌های مردمی را سازمان دادند، بیمارستان‌های صحرایی برپا کردند و در تولید اقلام ضروری نقش‌آفرینی کردند. کودکان با جمع‌آوری کمک‌های مالی و کالایی، خود را شریک این حماسه احساس می‌کردند.

این همبستگی ملی نشان داد که زمانی که مردم احساس مالکیت نسبت به نظام داشته باشند، قادرند در برابر قدرتمندترین ارتش‌ها مقاومت کنند. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند: «دفاع مقدس نشان داد وقتی مردم در صحنه باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند ملتی را شکست دهد.» امام خمینی (ره) نیز همواره تأکید داشتند که «این مردم بودند که جنگ را به پیروزی رساندند، نه سلاح‌های پیشرفته.»

تجربه دفاع مقدس درس مهمی آموخت: سلاح‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی بدون پشتوانه مردمی کارآیی محدودی دارند، اما اراده جمعی و مشارکت ملی می‌تواند معجزه بیافریند. این درس، نه تنها برای ایران بلکه برای همه ملت‌های مستضعف جهان، الهام‌بخش بود.

بازسازی؛ شاهکار همکاری جمعی

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، ایران با کشوری ویران‌شده روبرو بود. شهرهای خوزستان و کرمانشاه ویران شده بودند، زیرساخت‌های اقتصادی نابود شده بودند، پل‌ها و راه‌ها تخریب شده بودند، و صدها هزار خانواده آواره بودند. کارشناسان بین‌المللی پیش‌بینی می‌کردند که ایران دست‌کم دو دهه برای بازسازی نیاز دارد.

اما باز هم مشارکت مردمی، معادلات را دگرگون کرد. جهاد سازندگی با بسیج هزاران داوطلب جوان، به روستاها و شهرهای ویران‌شده رفت. مهندسان و کارگران با دریافت حقوق ناچیز یا حتی بدون دریافت دستمزد، شبانه‌روز کار کردند. مردم از طریق کمک‌های مردمی، مشارکت در ساخت خانه‌ها و مدارس، و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، نقش فعالی در بازسازی ایفا کردند.

این فرآیند، نه با اتکا به وام‌های خارجی و کمک‌های بین‌المللی، بلکه با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و مشارکت اجتماعی انجام شد. نتیجه این تلاش جمعی، بازسازی سریع کشور در کمتر از یک دهه بود؛ دستاوردی که حتی کشورهای با منابع مالی فراوان نتوانستند آن را تکرار کنند.

مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که سرعت بازسازی ایران پس از جنگ، عمدتاً

مدیون سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی بود. این تجربه ثابت کرد که سرمایه اجتماعی می‌تواند جای سرمایه مالی را بگیرد و حتی کارآمدتر از آن عمل کند.

مقاومت در برابر تحریم‌ها؛ تجلی تاب‌آوری

یکی دیگر از نمونه‌های بارز مشارکت مردمی، مقاومت ایران در برابر شدیدترین تحریم‌های تاریخ معاصر است. از دهه ۱۳۹۰ به بعد، ایالات متحده و متحدانش فشارهای اقتصادی بی‌سابقه‌ای را بر ایران اعمال کردند. هدف آنان این بود که با ایجاد فشار بر زندگی روزمره مردم، آنان را از نظام جدا کنند و به اصطلاح «تغییر رفتار» ایران را محقق سازند.

اما این استراتژی نیز در برابر مشارکت و همبستگی مردمی شکست خورد. مردم ایران، با وجود سختی‌های اقتصادی، به حمایت از استقلال و عزت ملی خود ادامه دادند. دانشمندان ایرانی با تکیه بر توان داخلی، در عرصه‌های مختلف به دستاوردهایی دست یافتند که پیش از این وابسته به واردات بودند. شرکت‌های دانش‌بنیان، جای واردات را گرفتند و محصولاتی با کیفیت تولید کردند. کشاورزان و تولیدکنندگان داخلی، با افزایش تولید به رونق اقتصاد کمک کردند.

مقام معظم رهبری در این دوران، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردند که بر بسیج ظرفیت‌های داخلی و تکیه بر سرمایه اجتماعی تأکید داشت. ایشان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی تنها با مشارکت مردم قابل تحقق است.» این رویکرد، محور سیاست‌های اقتصادی کشور در دوران تحریم‌ها شد. نتیجه این سیاست و مشارکت مردمی، آن بود که ایران نه تنها در برابر فشارها مقاومت کرد، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها به خودکفایی و حتی صادرات دست یافت. تجربه مقاومت در برابر تحریم‌ها نشان داد که مشارکت مردمی، بزرگ‌ترین سلاح یک ملت در برابر تهدیدات اقتصادی است.

پیشرفت‌های علمی؛ ثمره همکاری جمعی

یکی از دستاوردهای چشمگیر نظام جمهوری اسلامی، رشد قابل توجه علم و فناوری در کشور است. ایران از کشوری که در سال ۱۳۵۷ تعداد محدودی دانشگاه و مرکز تحقیقاتی داشت، به کشوری تبدیل شده که امروز در تولید علم جزو پانزده کشور برتر جهان قرار دارد.

این دستاورد، نتیجه مشارکت گسترده نهادهای علمی، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و هزاران دانشمند و محقق بوده است. سیاست‌های حمایتی دولت‌های مختلف، همراه با انگیزه بالای جوانان برای کسب دانش، زمینه این پیشرفت را فراهم کرد. دانشمندان ایرانی با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و ممنوعیت دسترسی به برخی منابع علمی، در حوزه‌های مختلف از فناوری هسته‌ای تا

زیست‌فناوری، از نانوتکنولوژی تا هوافضا، دستاوردهای قابل توجهی را ثبت کردند. بنا بر گزارش‌های بین‌المللی، رشد تولید علم در ایران در چند دهه اخیر، از سریع‌ترین رشد‌ها در جهان بوده است. این موفقیت نشان می‌دهد که مشارکت مردمی و همکاری جمعی در عرصه علم و فناوری، چگونه می‌تواند یک ملت را به اوج برساند، حتی در شرایطی که بسیاری از امکانات خارجی محدود است.

مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت علم و تحقیق تأکید کرده و جوانان را به ادامه این مسیر تشویق فرموده‌اند. ایشان فرموده‌اند: «علم، سرمایه اصلی کشور است و جوانان ما می‌توانند در این عرصه معجزه بیافرینند.» این حمایت و تشویق، انگیزه بیشتری برای پیشرفت علمی ایجاد کرده است.

بخش پنجم: الگوی ایرانی مشارکت؛ درس‌هایی برای آینده

ویژگی‌های منحصربه‌فرد مشارکت در ایران

تجربه چهار دهه‌ای نظام جمهوری اسلامی، الگویی منحصربه‌فرد از مشارکت مردمی را ارائه داده که می‌تواند برای دیگر ملت‌ها نیز الهام‌بخش باشد. این الگو دارای ویژگی‌های بارز و قابل تأملی است که آن را از الگوهای مشارکتی در دیگر کشورها متمایز می‌سازد.

- نخست، پیوند عمیق با ارزش‌های دینی. برخلاف بسیاری از نظام‌های سیاسی که مشارکت را صرفاً به عنوان یک ابزار سیاسی می‌نگرند، در نظام جمهوری اسلامی مشارکت ریشه در باورهای دینی و احساس مسئولیت الهی دارد. این پیوند، انگیزه‌ای فراتر از منافع مادی ایجاد می‌کند و موجب پایداری مشارکت حتی در سخت‌ترین شرایط می‌شود. امام خمینی (ره) همواره تأکید داشتند که مشارکت در اداره جامعه، یک وظیفه دینی است نه صرفاً یک حق مدنی.

- دوم، فراگیر بودن. مشارکت در ایران محدود به یک طبقه یا گروه خاص نیست. از روحانیون تا کارگران، از دانشجویان تا کشاورزان، از زنان تا جوانان، همه بخش‌های جامعه در فرآیندهای مختلف سیاسی و اجتماعی نقش دارند. این فراگیری، قدرت و مشروعیت ویژه‌ای به نظام می‌بخشد و نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی واقعاً متعلق به همه مردم است.

- سوم، داوطلبانه بودن. بخش عمده‌ای از مشارکت در ایران، داوطلبانه و بدون انتظار دریافت پاداش مادی است. از جهاد سازندگی تا بسیج، از کمک‌های مردمی تا فعالیت‌های فرهنگی، نیروهای بی‌شماری به صورت داوطلب خدمت می‌کنند. این ویژگی، نشان‌دهنده عمق تعلق مردم به نظام و باور آنان به ارزش‌های انقلاب است.

- چهارم، انعطاف‌پذیری. مشارکت مردمی در ایران، در شرایط مختلف اشکال متفاوتی به خود گرفته است. در دوران جنگ، شکل نظامی و دفاعی داشت؛ در دوران بازسازی، به صورت فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی بود؛ و در دوران تحریم‌ها، در قالب حمایت از تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی ظاهر شد. این انعطاف‌پذیری نشان می‌دهد که مشارکت مردمی، یک پدیده پویا و سازگار با شرایط است.

درس‌های ارزشمند از تجربه موفق

تجربه چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی، درس‌های ارزشمندی برای آینده ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی باشد.

- درس اول: مشارکت، بیمه ثبات است. تجربه نشان داده که هر زمان مشارکت مردمی قوی بوده، نظام توانسته از بحران‌ها عبور کند. در دوران جنگ، تحریم‌ها، و چالش‌های مختلف، همواره مشارکت مردمی بوده که به نظام قدرت مقاومت داده است. این تجربه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر مشارکت مردمی، بهترین نوع سرمایه‌گذاری برای پایداری یک نظام سیاسی است.

- درس دوم: مشارکت، مولد نوآوری است. وقتی مردم احساس مسئولیت کنند، خلاقیت و نوآوری را به میدان می‌آورند. از دستاوردهای علمی تا راه‌حل‌های اقتصادی، از ابتکارات فرهنگی تا نوآوری‌های اجتماعی، بسیاری از آنها حاصل مشارکت و همکاری جمعی بوده‌اند. شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌های فناوری، و پروژه‌های نوآورانه، همگی نمونه‌هایی از این نوآوری‌های مردمی هستند.

- درس سوم: مشارکت، دشمن را خنثی می‌کند. همان‌طور که مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند، بزرگ‌ترین بازدارنده در برابر توطئه‌های دشمنان، حضور مردم در صحنه است. تجربه نشان داده که هر زمان مردم در صحنه بوده‌اند، دشمنان نتوانسته‌اند به اهداف خود دست یابند. از جنگ نرم تا تحریم‌های اقتصادی، همه تلاش‌های دشمن برای جدا کردن مردم از نظام، در برابر پیوند قوی مردم و نظام شکست خورده است.

- درس چهارم: مشارکت، نیازمند تجدید پیوند مستمر است. مشارکت مردمی یک سرمایه ثابت نیست که یک بار ساخته شود و برای همیشه باقی بماند. این سرمایه نیاز به مراقبت، تقویت و تجدید مستمر دارد. هر نسل باید از نو با نظام پیوند برقرار کند و احساس مالکیت پیدا کند. این امر مستلزم توجه به نیازها، دغدغه‌ها و انتظارات هر نسل است.

نقش نهادهای مردمی در تقویت مشارکت

یکی از ویژگی‌های بارز نظام جمهوری اسلامی، وجود نهادهای مردمی قوی است که در تقویت و

سازمان‌دهی مشارکت نقش کلیدی دارند. بسیج، جهاد سازندگی، کمیته امداد، و دهها نهاد دیگر، نمونه‌هایی از این نهادهای مردمی هستند که با تکیه بر مشارکت داوطلبانه، خدمات گسترده‌ای به جامعه ارائه می‌دهند.

بسیج به عنوان بزرگ‌ترین سازمان مردمی کشور، نقش بی‌بدیلی در بسیج مشارکت مردمی دارد. این سازمان که در دوران جنگ نقش دفاعی داشت، پس از جنگ به یک نهاد اجتماعی گسترده تبدیل شد که در زمینه‌های مختلف از امداد و نجات تا خدمات فرهنگی و آموزشی فعالیت می‌کند. مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت بسیج به عنوان «سرمایه ملی» تأکید کرده‌اند.

جهاد سازندگی نیز در دوران بازسازی و توسعه روستایی، نقش برجسته‌ای ایفا کرد. این نهاد با بسیج هزاران داوطلب جوان، به روستاهای محروم رفت و زیرساخت‌های اساسی را ایجاد کرد. امروز نیز، با نام جهاد دانشگاهی، در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری و خدماتی فعالیت می‌کند. کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز یکی از نهادهای مردمی است که با تکیه بر کمک‌های مردمی، به خانواده‌های نیازمند کمک می‌کند. این نهاد، نمونه‌ای از همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی است که ریشه در ارزش‌های دینی دارد.

چشم‌انداز آینده: نسلی نو، مشارکتی نوین

نسل جوان امروز، فرصتی تاریخی برای ادامه و ارتقای این مسیر دارد. این نسل با آموزش بالاتر، دسترسی به فناوری‌های نوین، و تجربه چهار دهه از عملکرد نظام، می‌تواند شکل‌های نوینی از مشارکت را ایجاد کند که هم به سنت‌های گذشته وفادار باشد و هم با نیازهای آینده سازگار. فضای مجازی، فناوری‌های دیجیتال، و شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای جدیدی برای مشارکت فراهم آورده‌اند. جوانان امروز می‌توانند از این ابزارها برای سازمان‌دهی، هماهنگی و اثرگذاری بیشتر استفاده کنند. شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها، فضاهای نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها، میدان‌های جدیدی برای مشارکت اقتصادی و اجتماعی هستند که جوانان می‌توانند در آنها نقش‌آفرینی کنند. آنچه مهم است، این است که این نسل، همان احساس تعلق و مسئولیتی را که نسل‌های پیشین داشتند، در خود زنده نگه دارد و آن را با ابزارها و روش‌های نوین ترکیب کند. مقام معظم رهبری در خطاب به جوانان فرموده‌اند: «آینده از آن شماست، اما باید برای آن تلاش کنید.» این جمله، دعوتی است برای مشارکت فعال، خلاق و مسئولانه.

تجربه چهار دهه نشان داده که جمهوری اسلامی، زمانی قوی است که مردم در صحنه باشند. حفظ و تقویت این حضور، ضامن آینده‌ای روشن برای نظام و کشور است. این مسئولیت، هم بر عهده

مسئولان است که باید زمینه را برای مشارکت فراهم کنند، و هم بر عهده شهروندان که باید با حضور فعال خود، این زمینه را پر بار سازند.

همچنین، جوانان امروز می‌توانند در عرصه‌های جدیدی مانند فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و استارت‌آپ‌ها، مشارکت خود را به نمایش بگذارند. این عرصه‌ها، فرصت‌های بی‌نظیری برای نوآوری و خلاقیت فراهم می‌کنند که می‌تواند هم به پیشرفت اقتصادی کشور کمک کند و هم احساس مالکیت و مشارکت را در نسل جوان تقویت نماید.

نقش زنان در مشارکت مردمی

یکی از ویژگی‌های قابل توجه مشارکت در نظام جمهوری اسلامی، حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف است. از همان روزهای آغازین انقلاب، زنان نقش بسزایی در موفقیت آن داشتند. در تظاهرات‌های خیابانی، در پای صندوق‌های رأی، و در تمام فرآیندهای سیاسی، زنان حضوری پررنگ داشتند.

در دوران دفاع مقدس، زنان در پشت جبهه نقش حیاتی ایفا کردند. آنان در تولید اقلام ضروری، در بیمارستان‌های صحرایی، در سازمان‌دهی کمک‌های مردمی، و در حفظ امنیت و آرامش خانواده‌ها، مسئولیت‌های سنگینی را بر عهده داشتند. بسیاری از مادران، با وجود شهادت فرزندانشان، همچنان بر حمایت از نظام پافشاری کردند و الگوی ایثار و مقاومت شدند.

در دوران بازسازی نیز، زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت کردند. از معلمان روستایی که به دورافتاده‌ترین نقاط رفتند، تا پزشکان و پرستارانی که در مناطق محروم خدمت کردند، همه نمونه‌هایی از مشارکت فعال زنان هستند.

امروز، زنان در تمام عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی حضور دارند. از دانشمندان برجسته تا نمایندگان مجلس، از ورزشکاران موفق تا هنرمندان شناخته‌شده، زنان ایرانی نشان داده‌اند که می‌توانند در کنار حفظ ارزش‌های اسلامی، در عالی‌ترین سطوح حضور داشته باشند.

مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت نقش زنان در جامعه تأکید کرده و فرموده‌اند: «زنان نصف جامعه و مربیان نصف دیگر جامعه هستند.» این جمله، اهمیت راهبردی حضور زنان را در پیشرفت جامعه نشان می‌دهد.

مشارکت در عرصه بین‌المللی

نظام جمهوری اسلامی، نه تنها در داخل بلکه در عرصه بین‌المللی نیز توانسته الگویی از مشارکت مردمی ارائه دهد که برای دیگر ملت‌ها الهام‌بخش بوده است. حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت

در فلسطین و لبنان، بیانگر همان ارزش‌هایی است که در داخل نیز پیگیری می‌شود: حمایت از مظلوم و مقاومت در برابر ظالم.

این رویکرد، که ریشه در آموزه‌های اسلامی و بیانات امام خمینی (ره) دارد، نشان می‌دهد که مشارکت و همبستگی، نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز قابل تحقق است. امام راحل همواره تأکید داشتند که «فلسطین قضیه تمام مسلمانان است» و این رویکرد، پس از ایشان نیز ادامه یافته است.

همچنین، ایران در عرصه‌های دیگری مانند کمک‌های بشردوستانه، ارسال نیرو و امکانات به مناطق زلزله‌زده و آسیب‌دیده، و حمایت از پناهندگان، نقش فعالی داشته است. این اقدامات نیز بازتابی از فرهنگ مشارکت و همبستگی است که در جامعه ایرانی نهادینه شده است.

چالش‌های پیش‌رو و فرصت‌ها

با وجود دستاوردهای قابل توجه، نظام جمهوری اسلامی در زمینه مشارکت مردمی با چالش‌هایی نیز روبرو است که باید به آنها توجه جدی شود. همان‌طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، عواملی مانند فشارهای اقتصادی، تحولات نسلی، و چالش‌های رسانه‌ای، می‌توانند بر میزان مشارکت تأثیر بگذارند.

اما این چالش‌ها، در عین حال فرصت‌هایی نیز برای بهبود و ارتقا هستند. هر چالش، دعوتی است برای نوآوری و یافتن راه‌حل‌های جدید. تجربه نشان داده که نظام جمهوری اسلامی همواره توانسته در برابر چالش‌ها، راه‌حل‌های خلاقانه بیابد و از بحران‌ها قوی‌تر بیرون بیاید.

در زمینه اقتصادی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت از استارت‌آپ‌ها، و تقویت تولید داخلی، می‌تواند هم به رشد اقتصادی کمک کند و هم زمینه را برای مشارکت بیشتر جوانان فراهم سازد. در عرصه فرهنگی، استفاده هوشمندانه از فضای مجازی، تولید محتوای جذاب و کیفی، و ایجاد فضای گفتگوی سازنده، می‌تواند پیوند نسل جوان با ارزش‌های انقلاب را تقویت کند.

در حوزه سیاسی نیز، تقویت احزاب، شفاف‌سازی فرآیندها، و ایجاد فضای رقابت سالم، می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و تقویت مشارکت منجر شود. مهم این است که همه دست‌اندرکاران، از مسئولان دولتی تا فعالان مدنی، و از روحانیون تا روشنفکران، در این مسیر همکاری و هم‌افزایی داشته باشند.

نقش روحانیت در تقویت مشارکت

روحانیت از همان آغاز، نقش محوری در سازمان‌دهی و هدایت مشارکت مردمی داشته است. امام

خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب، نشان داد که چگونه می‌توان با تکیه بر اعتقادات دینی مردم، انرژی عظیم اجتماعی را بسیج کرد و به سمت هدف‌های بلند ملی هدایت نمود. پس از امام راحل، مقام معظم رهبری نیز همین مسیر را ادامه داده‌اند. ایشان با بیانات روشن‌گرانه، رهنمودهای دقیق، و حضور در میان مردم، همواره پیوند میان مردم و نظام را محکم نگه داشته‌اند. تأکیدات مکرر ایشان بر اهمیت مشارکت، حضور در صحنه، و نقش محوری مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان، نشان‌دهنده توجه ویژه به این موضوع است.

روحانیون در سطوح مختلف نیز، از امامان جمعه تا مبلغان محلی، نقش مهمی در آگاه‌سازی، انگیزه‌بخشی و سازمان‌دهی مشارکت مردمی دارند. آنان با حضور در میان مردم، شنیدن دغدغه‌های آنان، و ارائه راهنمایی‌های لازم، به تقویت پیوند میان مردم و نظام کمک می‌کنند.

فرهنگ ایثار و شهادت؛ محرک پایدار مشارکت

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد جامعه ایرانی پس از انقلاب، غنای فرهنگ ایثار و شهادت است. این فرهنگ، که ریشه در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه مکتب عاشورا دارد، محرک قدرتمندی برای مشارکت و فداکاری بوده است.

شهدا و خانواده‌های شهدا، الگوهای زنده‌ای از این فرهنگ هستند. آنان نشان داده‌اند که چگونه می‌توان برای ارزش‌های والا، از جان و مال خود گذشت. این الگوها، نه تنها در دوران جنگ بلکه در همه ادوار، الهام‌بخش مشارکت و خدمت بوده‌اند.

امروز نیز، این فرهنگ در قالب‌های مختلف ادامه دارد. از جهادگرانی که در مناطق محروم خدمت می‌کنند، تا داوطلبانی که در بحران‌های طبیعی به کمک آسیب‌دیدگان می‌شتابند، همه تحت تأثیر همین فرهنگ ایثار و فداکاری هستند.

حفظ و تقویت این فرهنگ، یکی از وظایف مهم نظام آموزشی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی است. آشنایی نسل جوان با زندگی شهدا، شنیدن خاطرات و تجربیات آنان، و درک عمیق از انگیزه‌ها و ارزش‌های آنان، می‌تواند به تقویت احساس تعلق و انگیزه برای مشارکت در این نسل کمک کند.

مشارکت در بحران‌ها؛ نمایش همبستگی ملی

یکی از لحظاتی که همبستگی و مشارکت مردمی به بهترین شکل خود را نشان می‌دهد، زمان بحران‌ها و حوادث طبیعی است. در سال‌های اخیر، ایران با بحران‌های مختلفی از جمله زلزله‌ها، سیل‌ها و همه‌گیری کرونا روبرو بوده است. در تمام این موارد، مردم ایران با حضور گسترده و کمک‌های بی‌دریغ، نشان داده‌اند که همبستگی ملی همچنان قوی است.

در زلزله‌های مختلف، از بم تا کرمانشاه، مردم از سراسر کشور به کمک آسیب‌دیدگان شتافتند. کمک‌های مالی، ارسال چادر و پتو، حضور گروه‌های امداد و نجات داوطلب، و همدلی با خانواده‌های آسیب‌دیده، همه نمونه‌هایی از این همبستگی بودند.

در سیل‌های سال ۱۳۹۸ نیز، همین تصویر تکرار شد. جوانان بسیجی و داوطلب از سراسر کشور به مناطق سیل‌زده رفتند، مردم کمک‌های خود را ارسال کردند، و همه تلاش کردند تا به هموطنان خود کمک کنند.

در بحران کرونا نیز، کادر درمان با فداکاری تمام در خط مقدم مبارزه قرار گرفتند، مردم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی همکاری کردند، و خیرین با کمک‌های مالی به تأمین تجهیزات پزشکی کمک نمودند. این تجربه نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، همبستگی ملی پابرجاست. مقام معظم رهبری در تشکر از تلاش‌های مردم در این بحران‌ها، فرموده‌اند: «همدلی و همیاری مردم ایران در مواقع بحران، نشان‌دهنده عمق پیوند ملی و ارزش‌های اسلامی در جامعه ما است.» این جمله، به خوبی اهمیت این همبستگی را نشان می‌دهد.

نگاهی به آینده: افق‌های نوین مشارکت

با نگاه به آینده، می‌توان افق‌های جدیدی برای مشارکت مردمی در نظر گرفت. تحولات فناوری، تغییرات اجتماعی، و چالش‌های جدید، همگی فرصت‌هایی برای اشکال نوین مشارکت فراهم می‌کنند.

در عرصه فناوری، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، و تکنولوژی‌های نوظهور، می‌توانند ابزارهای جدیدی برای سازمان‌دهی و هماهنگی مشارکت مردمی فراهم کنند. پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند فضایی برای گفتگو، تبادل ایده، و همکاری جمعی ایجاد کنند.

در عرصه اقتصادی، اقتصاد اشتراکی، کسب‌وکارهای اجتماعی، و مدل‌های نوین تأمین مالی جمعی، می‌توانند فرصت‌های جدیدی برای مشارکت اقتصادی فراهم سازند. جوانان می‌توانند از این مدل‌ها برای تحقق ایده‌های خلاقانه خود استفاده کنند.

در عرصه اجتماعی، شبکه‌های مجازی و گروه‌های آنلاین، می‌توانند به سازمان‌دهی فعالیت‌های داوطلبانه، کمپین‌های اجتماعی، و جنبش‌های مدنی کمک کنند. این فضاها، امکان مشارکت آسان‌تر و گسترده‌تر را فراهم می‌کنند.

آنچه مهم است، این است که در همه این تحولات، ارزش‌های بنیادین حفظ شوند: اعتقاد به خدا، تعلق به میهن، احساس مسئولیت اجتماعی، و پایبندی به اصول انقلاب. اگر این ارزش‌ها

حفظ شوند، اشکال نوین مشارکت نیز همچنان در خدمت اهداف عالی نظام و ملت خواهند بود.

نتیجه‌گیری

مشارکت مردمی صرفاً یک ارزش سیاسی نیست؛ بلکه سازوکاری برای بازتولید ثبات در یک نظام اجتماعی پیچیده است. پایداری نظام بیش از آنکه وابسته به قدرت سخت باشد، به توان آن در بازسازی اعتماد اجتماعی و ایجاد فضای مشارکت واقعی بستگی دارد.

متغیر تعیین‌کننده در تداوم نظام، میزان مشارکت مؤثر شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌سازی است. هر میزان که این مشارکت واقعی‌تر و معنادارتر شود، ظرفیت انطباق و تاب‌آوری نظام در برابر چالش‌های داخلی و خارجی افزایش خواهد یافت.

راهکارهای ارائه‌شده - از تحول در نظام آموزشی تا شفافیت و پاسخگویی - همگی به یک نکته اشاره دارند: نظام جمهوری اسلامی باید به همان بنیان اولیه خود بازگردد؛ یعنی اعتماد به مردم و باور به اینکه آنان بهترین نگهبان انقلاب و نظام خود هستند.

آینده نظام به این بستگی دارد که چقدر بتواند فضای واقعی برای مشارکت ایجاد کند، نسل جدید را همراه سازد، و پیوند میان مردم و ساختارهای حکمرانی را محکم نگه دارد. این تنها راهی است که می‌توان هم اصول انقلاب را حفظ کرد و هم با تحولات زمانه همگام شد.

ان‌شاءالله با تلاش مشترک همه اقشار جامعه و مسئولان، روزی را خواهیم دید که مشارکت مردمی در بالاترین سطح خود قرار گیرد و نظام جمهوری اسلامی، قوی‌تر و پایدارتر از همیشه به حیات خود ادامه دهد.